

اینترنت لب مرگ



علی ورامینی دبیر گروه فرهنگ

دنیای ما چنان است که بر خوردارتر خواهد بود به صورت تصاعدی شما را بر خوردارتر خواهد کرد و محرومیت به صورت تصاعدی شما را کم‌پر خوردارتر. آدم بر خوردار دانما به این مجلس ناهار، آن مجلس شام و صبحانه کاری دعوت می‌شود. بیشتر اوقات هم همه سفره‌ها رنگی و مملو از انواع و اقسام خوراک و نوشاک است. همین آدم‌ها هدیه‌های متنوعی از شرکت‌ها و برندها می‌گیرند، به وام دسترسی دارند، شبکه اجتماعی قوی ای دارند، بسته به میزان بر خورداری شان، پزشک، وکیل و انواع متخصص در دسترس شان است که هزینه‌ها را به مقدار زیادی برای شان کاهش می‌دهد. در واقع بر خوردارترها با وجود درآمد بیشتر نسبت به افراد محروم، هزینه‌های کمتری هم دارند. حل این معادله بسیار سخت و پیچیده و بعضاً لا ینحل است. اینکه چطور این وضعیت ناعادلانه را عادلانه‌تر کنیم، نظریات دست‌راستی که اصلاً این وضعیت را یک وضعیت طبیعی و بدیهی می‌دانند، بعضی اوقات هم حل این مسئله شعر سیاستمداران می‌شود: سیاستمدارانی که یا تخصص ندارند یا می‌خواهند از هنجانات ناشی از وضعیت توده‌ها به نفع خودشان استفاده کنند، وعدۀ تغییرات فوری و عمقی را می‌دهند. دولت احمدی نژاد با همین شیوه بر سر کار آمد و طبقه متوسط به پایین را چنان کرد. حالا گوئی دولت سیزدهم هم قدم در راه احمدی نژاد گذاشته است و طبقه محروم را هر لحظه هم به لحاظ کمی زیادتر می‌کند، هم به لحاظ کیفی. فاصله سطح زندگی شان با راه و حداقل‌ها را بیشتر می‌کند.

احتمالاً برای همین است که دو وعدۀ گل درشت جناب ابراهیم رئیسی در بحبوحه انتخابات را مردم هرگز از یاد نخواهند برد؛ وعدۀ ساخت چهار میلیون مسکن که از قرار سالی یک میلیون مسکن در دوران ریاست‌جمهوری ایشان بود و دیگری گسترش دسترسی به اینترنت. آقای رئیسی هم وعدۀ رایگان کردن اینترنت دادند، هم تسهیل دسترسی. طی این دوسال و چندماه که از دولت سیزدهم می‌گذرد، نه فقط خانه‌دار شدن برای مردم کم‌پر خوردار به آرزو تبدیل شد که حالا اجاره‌شینی در شهرهای بزرگ هم برای بسیاری از مردم به رویا بدل شده است.

همین مردم طبقات کم‌پر خوردار که هر روز به تعدادشان افزوده می‌شود، از سر ناچاری و نداشتن درآمد به کسب‌وکارهای خرد اینترنتی پناه برآوردند. بسیاری از آنها هم به اینستاگرام پناه بردند و اینستاگرام هم که نزدیک یک میلیارد کاربر دارد، هنوز برای بسیاری دیگر به پیشترین آسیب آن از مردمی با کسب‌وکارهای کوچک و خانگی متحمل شدند. مردمی که به هزار ضرب زور فیلترشکن تهیه کردند و از سد یکی از بدترین اینترنت‌های جهان گذشتند، ساعت‌ها وقت صرف کردند تا پوست یا استوری‌ای بگذارند... تا بتوانند اندک درآمدی کسب کنند و بقا داشته باشند.

حالا بعد از همه مصیبت‌ها تا مردم می‌خواهند به وضعیت بد فعلی عادت کنند و به غلط گمان می‌کنند که از این بدتر نخواهد شد، دولت سریع دست‌به‌کار می‌شود و غافلگیرمان می‌کند تا متوجه شویم وضعیت بد غایت ندارد. به پهنای نامۀ چند شرکت انحصاری توزیع اینترنت در ایران که درخواست افزایش صدرصدی تعرفه‌ها را دارند، به بالا رفتن ۳۰ درصدی رضایت می‌دهند که احتمالاً ما مردم خوشحال باشیم. این‌ها را اضافه کنی به گزاشی که چندروز است درباره کیفیت اینترنت در ایران منتشر شده و با جدول و نمودار ثابت می‌کند که اینترنت ایران، در بی کیفیتی در جهان تقریباً بی رقیب است.

صاحب‌نظران حوزه زیرساخت اینترنت می‌گویند که اینترنت ایران با همین زیرساخت می‌تواند بسیار بهتر از این وضعیت باشد و از این اوضاع فاجعه‌بار فاصله بگیرد. اما گوئی اراده ای نیست که چنین اتفاقی بیفتد. کاش مسئولان می‌دانستند مسئله اینترنت، مسئله ای جدی است. حتی جدی‌تر از تورم کالاهای اساسی که هر روز غیرقابل دسترس‌تر می‌شود. اینترنت با مسئله مهاجرت روزافزون، اقتصاد مردم و حتی امنیت ملی پیوند دارد. یکی از مواردی که تقریباً همه مهاجران از ایران به آن اشاره می‌کنند، سهولت دستیابی به اینترنت در کشورهای گوناگون است؛ بعضاً همین یک آسایش را به همه رنج دوری از وطن و زندگی در غربت ارجح می‌دانند؛ چراکه سوا فیلترینگ و اینترنت با کیفیت، از آزادی دسترسی آن شگفت‌زده می‌شوند. این تفاوت دیگر مختص اختلاف ما با آمریکای شمالی و اروپای غربی نیست، ما در اینترنت تقریباً با هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای هم قابل قیاس نیستیم. نگفته پیداست که این وضعیت به بطنی‌تری شدن اینترنت کمک خواهد کرد. بر خورداران اگر به اینترنت بدون فیلتر دسترسی نداشته باشند، به بهترین وی‌پی‌ان‌ها و بیشترین سرعت موجود دسترسی خواهند داشت؛ و احتمالاً در اولین فرصت برای رسیدن به اینترنت آزاد و با کیفیت مهاجرت خواهند کرد. مردم عادی هم باید عادت کنند که اینترنت را در سبد مصرفی خود کمتر و کمتر کنند و اساساً مشخص نیست با این وضعیت آیا برای مردم، سبدی خواهد ماند؟



از پوشش مجری تا شوخی مداح

درباره حاشیه‌های اخیر تلویزیون



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

انتخابات و تمهید نمایشی رسانه ملی برای گرم کردن تنور انتخابات تفسیر کرده‌اند. این واکنش‌ها، فارغ از درست یا غلط بودن اش، نشان می‌دهد که اعتماد جمعی به رسانه ملی همچنان در پایین‌ترین وضعیت خود قرار داشته و بحران مخاطب در صداوسیما، در واقع بحران اعتماد به رویکرد و گفتمان مسلط بر تولیدات صداوسیماست؛ نه فرم و ساختار فرمی و اجرایی برنامه‌ها. این بی‌اعتمادی البته چندان بی‌منطق هم نیست و مسبوق به سابقه است که هر بار در ایام انتخابات، سیاست‌گذاری‌های صداوسیما و ناظران فنی برنامه‌های آن، سخنگویی‌های قبلی در رعایت برخی ملاحظات را کمتر کرده و با کم‌رنگ شدن خطر مزها مواجه بودند.

شوخی‌های پر حاشیه ۲ مداح

چند روز بعد از حاشیه‌های پوشش خانم مجری، نوبت به شوخی‌های پر حاشیه دو مداح معروف در یک برنامه تلویزیونی رسید که باز هم با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. این اتفاق به خوشی از برنامه «حسینیه معلی» شبکه سه سیما برمی‌گشت که در آن میثم مطیعی و مجید بنی‌فاطمه به تقلید صدای یک کاراکتر کارتونی پرداختند که حتی با انتقاد برخی از طرفداران شان مواجه شد و معتقد بودند، آنها حرمت برنامه‌ها که نامش «حسینیه معلی» است را نگه نداشته و در شان آن مکان و منزلت حرفه‌ای مداحی، رفتار نکردند. البته دامنه انتقاد به این قاب از برنامه «حسینیه معلی» و شوخی‌های دو مداح، فراتر از این‌ها رفت و مصداقی از بی‌دقتی و ابتذال در تولیدات برنامه‌های تلویزیونی تفسیر شد. جالب اینکه حتی در شوخی‌ها هم یکی از مداحان می‌گوید، خدایا اسلام را از دست مداحان نجات بده. مجید بنی‌فاطمه قبلاً هم با حضور در برنامه خنداون، حاشیه‌ساز شد و خاطراتی که از دو جانب تعریف کرد، با انتقاد برخی از خانواده‌های ایشان همراه شده بود. او در آن برنامه گفته بود: «من با دو جانب آشنا بودم و یکبار حسابی اذیت‌شان کردم، آنها هم آمدند در خانه و تا در را باز کردم، دو تخم‌مرغ تو صورت‌م پرتاب کردند و تا آمدم به خودم بیایم، یک گوجه هم گذاشتند تو صورت‌م و منم به شوخی گفتم، یک کره هم برزند تا املت دور هم باشیم.» واقعیت این است که در چندسال اخیر شاهد ظهور مداح‌مجرمانی هستیم که اجرای برخی از برنامه‌های مذهبی به‌ویژه با محوریت مرتبه و مداحی را به عهده گرفته و برخی از آنها به مداح-سلبری می‌تبدیل شدند. رویکردی که موجب شده نقدهای جدی‌تری -نه فقط از سوی مردم عادی که حتی از طرف برخی مداحان سنتی هم- نسبت به حضور مداحان در مقام مجری در برنامه‌های تلویزیونی شود و آن را موجب بی‌اعتباری یا کاهش تقدس معنوی این حرفه بدانند. حالا شوخی‌هایی از این دست هم به آن اضافه شده که نشان می‌دهد، نگرانی این قشر بی‌دلیل هم نبوده است. در چندماه گذشته این دو مین پار است که جامعه مداحان کشور در کانون نقدهای عمومی قرار گرفته‌اند. یکی مربوط به هیئت‌علمی شدن یکی از مداحان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود که به‌ویژه با انتقاد جامعه دانشگاهی کشور و افکار عمومی همراه شد و حالا شوخی‌های این دو مداح در یک برنامه تلویزیونی با انتقادهای تندتری همراه شد. هم از سوی مردم، هم از سوی مداحان و افکار مذهبی کشور که می‌گویند، آنها شان و منزلت مداح و مداحی را رعایت نکرده و رفتارهایی از این دست موجب بی‌اعتمادی یا از جا زدن مردم از مداحان خواهد شد. شوخی‌ها یا برخی طنزهای او و اطوارهایی که به ذهنیت عمومی درباره مداحی لطمه زده و آن را مخدوش می‌کند. ضمن اینکه باز هم این رفتارها در ذیل تمهیدات صوری صداوسیما برای جلب مخاطب تعبیر شده که می‌خواهد با ساختار شکنی‌های نامتعارف، مخاطبان از دست‌رفته و ریزش کرده‌ی خود را برگرداند. تمام این اتفاقات و حاشیه‌های جنجالی دیگری که هر از چندگاهی حول تولیدات و برنامه‌های صداوسیما رخ می‌دهد، نشان می‌دهد که این رسانه، بدترین دوران خود را از حیث مشروعیت رسانه‌ای می‌گذراند که اتفاقاتی از این دست بر عمق آن می‌افزاید. حالا رسانه ملی با مخاطبان همراه است که خود، صاحب رسانه هستند و دیگر نه تماشاگر که کنشگرند و به راحتی نمی‌توان رضایت آنها را به دست آورد.

چهره

سالگرد درگذشت موسیقی دان برجسته



پایان دی ماه ۴۷ سال پیش، نورعلی خان برومند از استادان موسیقی ایرانی و نوازنده تار، سفتار، سنتور، تنبک و کارشناس آواز، درگذشت. ردیف‌های موسیقیایی و آوازی که او آن‌ها را احیاء و بازتناسی کرد، امروز به‌عنوان میراث فرهنگی جهانی شناخته می‌شود. استاد نورعلی خان برومند با استعداد زیاد در یادگیری سازه‌های گوناگون در پایه‌گذاری‌های جدید در آموزش موسیقی، نقشی بسزا داشت. به گونه‌ای که او را احیاگر موسیقی اصیل ایرانی می‌دانند. نورعلی خان برومند در نواختن تار، سفتار، سنتور، تنبک و کمانچه، چیره‌دست بود و آواز نیز تدریس می‌کرد. او استاد بسیاری از نوازندگان و خوانندگان موسیقی ایرانی از جمله اکبر گلپایگانی، نصرالله ناصح‌پور، محمدرضا شجریان، پریسا، پرویز مشکاتیان، حسین علیزاده، فرود گرگین‌پور، محمدرضا لطفی، فرخ مظهری، داریوش طلابی، مجید کیانی، جلال ذوالفنون، شهرام ناظری، ناصر فرهنگ‌فر، مسعود شناسا، رضوی سروستانی، کمال سامع، علی اکبر شکارچی و مهدی آذرسینا بود. نورعلی خان برومند، ۳۰ دی ماه سال ۱۳۵۵، در ۷۰ سالگی درگذشت و در قبرستان طهرالدوله به خاک سپرده شد.

کتابخانه

پیر مرد بیمار اروپا

کتاب «مسئله شرق (قدرت‌های بزرگ و فروپاشی امپراطوری عثمانی ۱۹۲۳-۱۷۷۴)»، نوشته ای. ال. مک‌فی با ترجمه زهرا هدایتی بیدهندی در ۲۲۵ صفحه و با قیمت ۱۸۰ هزار تومان، توسط نشر نی منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: «از شکست در نبرد یاسوسیه (۱۷۷۴-۱۷۶۸) تا ناکامی در جنگ جهانی اول که نهایتاً به فروپاشی امپراطوری عثمانی، انعقاد عهدنامه لوزان (۱۹۲۳) و تأسیس جمهوری ترکیه منتهی شد. مسئله شرق همواره در کانون روابط این امپراطوری با قدرت‌های بزرگ اروپایی، همچنین اقوام و ملت‌هایی قرار داشت که برای دستیابی به استقلال سر به شورش برمی‌داشتند. هر گوشه از سرزمین‌های تحت سلطه امپراطوری عثمانی که قدم در راه جداسی برمی‌داشت، در پی آن قدرت‌های بزرگ اروپایی از این گل آلود ماهی می‌گرفتند و توان نظامی و سیاسی خود را وسیله گسترش دامنه نفوذ قرار می‌دادند.»



مسئله شرق (قدرت‌های بزرگ و فروپاشی امپراطوری عثمانی ۱۹۲۳-۱۷۷۴) نویسنده: ای. ال. مک‌فی مترجم: زهرا هدایتی بیدهندی انتشارات: نی

تاریخ

پایان ساخت تاج محل

۲۰ ژانویه ۱۶۵۳، ساخت عمارت تاج محل در هند تمام شد. «شاه جهان» امپراطور تیموری وقت هند، در سال ۱۶۳۱ تصمیم گرفت این بنا را به یادبود همسر متوفی خود (ممتاز محل) بسازد و برای این امر از استاد عیسی -معمار بزرگ ایرانی- دعوت کرد. استاد عیسی نیز بدین منظور با ده‌ها معمار و تزیین‌کار از ایران (عمدتاً از شهرهای اصفهان، کرمان و شیراز) به هند رفت. قسمتی از سنگ‌های مرمر هم از ایران -معادن کوه هزار، واقع در استان کرمان- و نیز ایران خاوری (افغانستان) به هند انتقال پیدا کرد. استاد عیسی در طرح این ساختمان همه نمونه‌های معماری خاورمیانه را به کار گرفته است تا عمارت کاملاً اصالت خاورمیانه‌ای داشته باشد؛ نه هندی. سلطه تیموریان بر هندوستان بنا به مصالح و با کمک دولت صفویه ایران صورت گرفت و امپراطوران تیموری هند که فارسی را زبان دولتی خود کرده بودند تا نیمه قرن ۱۹ و زمان تکمیل تسخیر هندوستان به دست انگلیسی‌ها، بر این شبه‌قاره حکومت می‌راندند. دولت صفویه با هدف دور کردن تیموریان از قلمرو ایران، کمک کرده بود که هندوستان را تصرف کنند.

آنند و آنایید را همون

همکار عزیز جناب آقای شهاب شهبازی

درگذشت مادر بزرگ گرامی را خدمت شما و خانواده ارجمندتان تسلیت عرض می‌کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید.

روزنامه هم‌میهن